پیکره
دوفصل‌نامه، دانشکده هنر شوشتر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز
نقش و نماد اژدها در نگارگری ایرانی
شماره چهارم -پاییز و زمستان ۹۲
۴۳

زهرا عبداله*

مهناز شایسته فر**

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۰
تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۵

نقش و نماد اژدها در نگارگری ایرانی

چکیده:

اژدهـا از بـن مایه‌هـای اسـاطیری اسـت کـه در شـعر و ادب ایـران تجلی بـارزی داشـته و منجر به ظهـور ایده‌ها و نقوشـی ظریف و بی‌بدیـل در نگارگـری شـده اسـت. مقالـه حاضر با بررسـی خاسـتگاه ادبی و اسـاطیری اژدهـا و بنیان فکـری ایرانیان مبنی بـر دو قطبی بـودن جهـان بـه دلالـت حضـور آن در نگاره‌هـا، به عنوان نمـادی اهریمنی پرداخته و در صدد پاسـخ به این پرسـش‌ها برآمده اسـت که اژدهـا و جـدال بـا آن در حماسـه و عرفـان چه جایگاهی داشـته و ویژگی‌های تصویری و زیباشناسـانهٔ این موجود افسـانه‌ای در نگارگری ایرانـی کـدام اسـت. ایـن پژوهـش بـا اتخـاذ روش تحلیلی-تطبیقـی و با بررسـی منابـع کتابخانه‌ای و نسـخ حـاوی نگاره‌هـای اژدها، در تبییـن چگونگـی بهره‌گیـری نگارگـر در بازنمایـی و پـردازش صحنه‌هـای مهیـج و پرتحـرک ایـن رویارویـی از چیدمـان و صحنه‌آرایـی خـاص، ترفندهـای رنگ و بافت و تناسـبات اندامی اسـت.

واژگان کلیدی:
اژدها
نماد
جهان‌بینی
ادبیات ایرانی
نگارگری ایرانی
زیبایی‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دانشجوی دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد*
zahraabdollah@yahoo.ca
دانشیار دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس**
shayestm@modares.ac.ir

مقدمه

هنـر تجلـی جهان‌شناسـی و انسان‌شناسـی یـک قـوم و صحنه بـروز باورها، آرزوهـا و بیم و امیدهـای عامـه اسـت. تعمـق در نمادهـا و نشـانه‌های متجلـی در آثار هنـری یک ملـت، به واقع راهـی بـه سـوی کشـف انگاره‌ها و باورهای آن‌ها می‌گشـاید و سـایه روشـن‌های وجـدان جمعی ایشـان را آشـکار می‌سـازد. یکـی از بارزتریـن این دغدغه‌ها، تقابل نیروهای خیر و شـر اسـت. در ایـن راسـتا، در فرهنـگ ایـران باسـتان، اهورامزدا مظهـر نور جاویـدان و اهریمن و دیـوان مظاهر تاریکـی و ظلمـت می‌باشـند. دیوان مسـئول همـه بلایا، بدکرداری‌هـا و کژی مردمـان و اهریمن آفرینـنـده شـر و تیرگـی درکل عالـم اسـت. تجسـم و تجسـد نیروهـای اهریمنـی در نیروهـای طبیعـی (چـون زلزلـه و گردبـاد)، حیوانـات و اشـیاء امـری رایـج اسـت که از سـؤالات بی پاسـخ بشـر در دوران قدیـم نشـأت می‌گیـرد. در میـان حیوانـات شـرور کـه مظهـر نیروهـای اهریمنی هسـتند اژدهـا یـا مار جایـگاه ویـژه‌ای دارد.[۱] این امر سـابقه‌ای طولانـی دارد و در اسـاطیر دینی همچـون داسـتان خلقـت نیـز قابـل مشـاهده اسـت. در اسـاطیر ایـران، اژدهـا (اژدی دهـاک در اوسـتا) بارهـا بـه عنوان تجسـم شـر و بدکـرداری و تیرگـی ظاهر می‌شـود و در مـواردی (چون ضحـاک در شـاهنامه) در صورتی انسـانی تجسـد می‌یابـد و تقابل نیروهای خیر و شـر در ادبیات حماسـی ایـران (و سـایر ملـل) به صورت جنگ ابرانسـان با اژدها به تصویرکشـیده شـده اسـت. چنیـن بـه نظـر می‌آیـد که طـرح و نقـش اژدهـا از زمـان نگارگری نخسـتین نسـخه‌های خطی تـا آخریـن مکاتـب نگارگـری ایران مـورد توجه نقاشـان بوده اسـت. در تحقیقاتی کـه تاکنون در مـورد اژدهـا انجـام گرفته بیشـتر به مایه‌های اسـاطیری آن پرداخته شـده و البتـه پژوهش‌هایی نیـز در خصـوص طبقه‌بنـدی انـواع اژدهـا بـر اسـاس تعـداد پاهـا و سـرهای ایـن جانـور صورت پذیرفته اسـت.[۲]

مقالـه حاضـر بـه منظور پاسـخ‌گویی بـه این سـؤال که «اژدهـا در ادبیـات و نگارگـری ایران نمـاد چیسـت و چگونـه ظاهـر شـده اسـت؟»، بـه اختصـار مبانـی جهـان بینی ایـران باسـتان و جایـگاه اژدهـا (و نیروهـای اهریمنـی) و نمـود آن در ادبیات حماسـی را تحلیل می‌کند و سـپس بـا اسـتخراج خصوصیـات زیبایی‌شناسـی اژدهـای ایرانـی بـه طبقه‌بنـدی اژدهـا در مقیـاس بـا پیکـرۀ انسـانی در نگاره‌هـا می‌پـردازد. قدیمی‌تریـن نگاره‌هـای مرجـع این مقاله، شـاهنامه‌های گاتمـن[۳]، شـاهنامه موجـود در موزه‌ی سـن پطرزبـورگ[۴] و شـاهنامه مجموعه کنتـس دوبیهاگ[۵] اسـت این دو شـاهامه متعلق به نیمه نخسـت قرن هشـتم هجری هسـتند. با پیشـرفت نگارگری و افزایـش تعـداد نگاره‌هـا در دوره‌هـای بعـد، بـر تنـوع فـرم و سـاختار اژدهـا نیـز افـزوده شـد، به‌طوری‌کـه بیشـترین تعـداد نگاره‌هـای جمع‌آوری شـده مربـوط بـه قـرون هشـتم تـا یازدهم هجـری و بـه عبارتـی دوران اوج نگارگـری ایـران در مکاتب شـیراز، هـرات، تبریـز و قزوین بوده اسـت. ضمـن آنکـه بـا توجه به اشـارات مسـتقیم متن شـاهنامه به اژدهـا، این موجود بیشـترین

---

۱. در نسبت اژدها و مار به (طاهری, ۱۳۸۸) مراجعه نمائید.

۲. در این رابطه به (طاهری، ۱۳۸۸) و (صباغ پور آرانی و شایسته فر، ۱۳۸۸) و (حسینی، ۱۳۹۰) مراجعه نمائید.

۳. Gutman

۴. Saint Petersburg Museum

۵. The Countess de Behague Collection

حضور را در نسخ شاهنامه[۶] داشته ولی با وجود این ردپای آن در *خمسه نظامی*[۷]، *داراب نامه*[۸]، *خاوران نامه*[۹]، *قصص الانبیا*[۱۰] و *فال نامه*[۱۱] مشاهده می‌شود و تک نگاره‌هایی از اژدها نیز در عجائب المخلوقات[۱۲]، حاشیه *گلستان* سعدی[۱۳] و اثری منسوب به مسکین متعلق به سنه ۹۹۷ هجری قمری وجود دارد. با ورود تأثیرات غربی و تحول در سنت‌های پیشین در اواخر دوران صفویه و بویژه قاجار، نگارگری اصیل ایرانی رو به افول نهاد و شمار نگاره‌های قابل ارجاع در باب بن‌مایه اژدها نیز کاهش یافت. تحلیل نگاره‌های موجود، مقایسه آن‌ها و مراجعه به متون ادبی مربوط، علاوه بر روشن نمودن تأثیرات این موجود افسانه‌ای در ترکیب‌بندی، رنگ‌آمیزی و ساختار تصاویر از منظر زیبایی شناختی، پاسخ‌گویی به سؤالات مورد نظر این تحقیق را میسر می‌سازد. این سؤالات عبارتند از: اژدها در اساطیر و ادبیات ایرانی نماد چیست و چه کسانی در جدال با این موجود در نگاره‌ها تصویر شده‌اند؟ تأثیر حضور اژدها بر ساختار نگاره‌ها چیست؟ ویژگی‌های شکلی (سر، دست و پا، پوست، اندازه و موارد دیگر) اژدهای ایرانی چیست و وجوه تمایز آن از اژدهای آسیایی (به ویژه چینی) کدام است؟ روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت تحلیلی است، و نتایج ارائه شده، حاصل مقایسه زیباشناسانهٔ نمونه‌های متعددی از نگاره هائی است که اژدها در آن‌ها به تصویر درآمده است.

جهان بینی دوقطبی و جایگاه اژدها در این دیدگاه

جهان دو قطبی انسان ایرانی از شاخص‌ترین اندیشه‌های دو بُنی از روزگار باستان تا امروز به شمار می‌آید. مطابق این اندیشه جهان زبرین از آنِ هورمزد و جهان زیرین قلمرو اهریمن است و فضای تهی یا برزخ میان این دو جهان محل تصادم وکنش میان نیروهای این دو قطب است. اهورامزدا به عنوان نور جاودان در قطب روشن و لایه برین کیهانی جای دارد و دیوان درلایه زیرین یعنی خاک سرد و تاریک مستقرند که کشمکش میان این دو قطب دوازده هزار سال به طول می‌انجامد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۶) عرفای اسلامی نیز در تبیین سلسله مراتب وجود، به عوالم سه‌گانه معقول، محسوس و مثالی معتقد بودند. آنان

۶. نگاره‌های *شاهنامه* شامل نبرد فریدون، رستم، اسفندیار، بهرام، گشتاسب، اسکندر و همچنین سیمرغ با اژدها می‌باشند.

۷. حضور اژدها در *خمسه* بیشتر معطوف به نبرد بهرام و اژدهاست.

۸. کتاب *داراب نامه* اثر اَبوطاهرِ طرسوسی، داستان‌پرداز و نویسندهٔ سدهٔ ۶ هجری قمری، داستان سرگذشت داراب پادشگاه کیانی پسر بهمن (کی اردشیر) و دختر او همای چهرآزاد است که دارای سه قسمت اصلی داستان داراب، داستان اسکندر و فتح ایران و داستان روشنک می‌باشد. اصل داستان‌ها مأخوذ و متفرع از روایات کهن دوره ساسانی است که با دخول عناصری از دوره اسلامی به ابوطاهر طرسوسی رسیده است.

۹. *خاوران نامه* ابن حسام خوسفی بیرجندی اثری متعلق به سده نهم است که نگاره‌ها و تذهیب‌های آن توسط فرهاد، سرآمد نقاشان عصر تصویر شده است.

۱۰. کتاب *قصص الانبیاء* از متون اصیل و گران‌بهای زبان فارسی است که توسط ابواسحق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری در اواخر قرن پنجم به رشته تحریر درآمده است. این کتاب مشتمل بر داستان‌هایی از پیغام‌بران و برگزیدگان می‌باشد که مأخذ آن‌ها در بسیاری از حکایات قرآن مجید آمده است.

۱۱. نگاره‌های نسخ فال نامه, خاوران نامه و قصص الانبیا بیشتر معطوف به موضوعات مذهبی می‌باشند.

۱۲. *عجائب المخلوقات* و *غرائب الموجودات* اثری است از زکریا قزوینی که به زبان عربی و در سال ۶۷۸ هجری نگاشته شده است.

۱۳. نگاره مورد نظر اثر آقامیرک و متعلق به مکتب تبریز سال ۹۳۰ ه.ق می‌باشد.

عالـم معقـول را جایـگاه روح و عالـم محسـوس را جایـگاه ماده می‌دانسـتند. عالم مثـال میان دو عالـم معقـول و محسـوس قـرار گرفتـه و واقعیت مـادی ندارد و صـور برزخی - بازتابی از بهشـت و دوزخ - در آن ظاهـر می‌شـوند. ایـن صـور را معلقـه می‌نامیدنـد، زیـرا بسـتر مـادی معینـی ندارنـد و لطیـف و اثیری‌انـد. بدیـن ترتیـب در نگارگری نیز زمـان و مکان و کمیت‌هـای فیزیکی نمـود مجسـم ندارنـد و کـوه، درخت، آدم و پرنده بیشـتر صـور نوعی‌اند، چرا که فضـای نگارگری فضـای عالـم مثـال اسـت[۱۴]، فضایـی که اصل و ریشـه صـور طبیعت و اشـجار وگل‌هـا و پرندگان و نیـز پدیده‌هایـی کـه در درون روح انسـان متجلـی می‌شـود از آن‌جا سرچشـمه می‌گیـرد. این عالـم هـم ورای جهـان عینـی مـادی اسـت و هـم درون نفـس انسـان جـای دارد. در سـنت هنر نگارگـری در ایـران، نگارگـران بـا الهام حالات درونـی و رخدادهـای عالم مثال، بـه نقش آفرینی پرداختـه و از ایـن طریـق دری بـه سـوی عالـم بـالا و فضای بیکـران جهـان ملکوت گشـوده‌اند. در ذهـن انسـان ارزش‌گـذار، آن‌چـه منسـوب بـه عالـم برین اسـت رنگ روشـن و شـکلی ظریف و همگـن و زیبـا دارد و آن‌چـه بـا جهـان زیریـن نسـبت دارد رنـگ تیره به ویژه سـیاه و شـکلی ناهمگـن، زمخـت و زشـت دارد و نگارگـری بـا زبـان خـط و رنـگ عرصـه نمایـش نبـرد میـان نیروهـای اهورایـی و اهریمنـی اسـت؛ بـا ایـن حـال نگارگـری از نـوع نقاشـی روایی نیسـت زیرا تصویرگـر از شـرح وقایـع و نتیجـه ماجراهـا خـودداری می‌کنـد و فقـط بـه جوهـر و عصـاره‌ی، مضمونـی داسـتان می‌پـردازد. وی بـا الهـام از صـور طبیعی طرح متجلـی در باطـن خویش را به تصویر در مـی‌آورد.[۱۵]

در *اوسـتا* بـه نیروهـای شـر و مظاهـر زشـتی، خرابـکاری و پلیـدی، دیـو اطلاق می‌شـود. در گات‌هـا و وُنْدیـداد و قسـمت‌های متأخـر اوسـتا همـواره دیـوان را بـا مـردم بـد، جانوران شـرور و مـوذی نـام می‌برنـد و البتـه شـمار اهریمـن بـا نیروهـای خیـر برابـر اسـت. کشـمکش و نبرد جاودانـی میـان ایـن نیروهـا بـه طرق مختلـف و بـا نمادهای متعـددی بـه نمایش گذارده شـده اسـت. نیروهـای اهورایـی به شـکل اسـب[۱۶]، پرنده (سـیمرغ)[۱۷]، انسـان[۱۸]، شـیر[۱۹] و جنـگاوران[۲۰] یـا پهلوانـان تصویـر شـده‌اند. از سـوی دیگـر نیروهـای اهریمـن عمدتاً بـه صورت دیوان مجسـم شـده‌اند کـه مظاهـر خارجـی نفـس امـاره نیـز بـه شـمار می‌رونـد، چرا کـه نـام آن‌ها عـلاوه بر مظاهـر و مصائـب روزگار چـون خشکسـالی، زلزلـه و گردبـاد بـر پلشـتی‌های نفـس آدمـی نیـز

۱۴. در مورد عالم مثال و فضای نگارگری به (نصر، ۱۳۷۴) مراجعه نمائید.

۱۵. http://porsyar.com/m-۸-۱-۲۵۶۸۰۶.html تاریخ مشاهده ۱۳۸۹/۲/۵

۱۶. نبرد اسب رستم با اژدها در برخی نگاره‌ها مانند نسخه شاهنامه هرمیتاژ در سن پطرزبورگ از سده هشتم و نسخه شاهنامه ابراهیم سلطان در کتابخانه بادلیان آکسفورد، متعلق به مکتب شیراز سال‌های ۳۵-۸۳۲ مشاهده می‌شود.

۱۷. رویاروئی سیمرغ و اژدها در چندین نگاره آورده شده، بطور مثال نگاره‌ای متعلق به نیمه دوم قرن دهم از نسخه‌ای عربی، یادآور نگاره زال و سیمرغ از شاهنامه طهماسب درمکتب تبریز است که به سال ۹۳۳ ترسیم شده است . در اینجا کوه و لانه سیمرغ و زال حذف شده و به جای آن تصویر اژدها آورده شده است. عدم تطابق متن با تصویر از تزئینی بودن تصویر حکایت می‌کند .

۱۸. نگاره‌ای متعلق به مکتب تبریز یا قزوین سالهای ۵۰-۹۴۰ با مهر مظفرعلی درگیری مرد سوارکار را به نمایش گذارده است.

۱۹. نگاه کنید به نگاره «نزاع شیر و اژدها» اثر محمدباقر در موزه متروپولیتن متعلق به دوره صفویه، سال ۱۰۶۹ ه.ق.

۲۰. یکی از این جنگاوران اسکندر است که در نگاره‌ای از شاهنامه مجموعه کنتس دوبیهاگ که متعلق به تبریز سال ۷۴۰ هجری است، رزم وی با اژدها تصویر شده است.

دلالت دارد. دراسطوره‌های ایرانی و در منابع مزدیسنی از دیوها به دفعات نام برده شده است که از آن میان می‌توان به اکوان دیو (دشمن پندار نیکو)، ساوول دیو (دوستدار ستم)، ترومد دیو (نخوت آفرین)، زرمان دیو (دیو پیری)، چشمک دیو (دیو زلزله و گردباد)، بوشاسپ (دیو تنبلی)، آز دیو (دیو حرص و طمع)، اسپزگ (دیو دوبهم زنی)، اپوش و اسپنجروش (دیوهای خشکسالی) اشاره نمود. از معروف‌ترین دیوها اژدی دهاک یا اژدهاست که در شاهنامه صورتی به نام ضحاک می‌یابد. ضحاک شاهنامه دیگر جانوری اسطوره‌ای نیست، بلکه انسانی اهریمنی است. (محمدی،۱۳۸۴:۱۷۰) بدین ترتیب اژدها از عناصر شرکت‌کننده در بیان مضامین قهرمانی و نبرد نیروهای اهریمنی و اهورایی است که نگارگر با ذوق ایرانی بارها از آن در خلق تصویر بهره برده است، به ویژه آنکه رستم و اسفندیار در گذر از هفت خوان با این موجود افسانه‌ای مواجه می‌شوند. هفت‌خوان تعبیری از سیر و سلوک رهرو از جهان زیرین به جهان زبرین به شمار می‌آید. از دیدگاه اسطوره‌ای و همچنین عرفانی، جهان طریقت به هفت مرحله تقسیم می‌شودکه گذار از هر خوان به دیگری مشروط به پیروزی قهرمان در نبرد با نیروهای اهریمنی است. نبرد رستم و اسفندیار با اژدها نیز نمودی از همین مبارزات است[۲۱].

از آن‌جا که نگارگری ایرانی با ادبیات پیوندی تنگاتنگ دارد و نگارگر کارمایه خویش را عمدتاً از منظومه‌های حماسی و غنایی دریافت می‌کند، ضروری است تا حضور اژدها را در اساطیر و ادبیات ایران بررسی کنیم. این موجود افسانه‌ای در ادبیات بسیاری از تمدن‌های باستان نظیر ایران، مصر، بابل، چین و هند، با دلالت‌های صریح و ضمنی گوناگون ظاهر شده، اما در ایران همواره مظهر شرارت و رذالت بوده است. این ویژگی از دیوان و اژدهازادگان اردیبهشت یشت، اژدی دهاک، هیولایی با سه پوزه، شش چشم و سه سر، و اژی سرووَر، اژدهای شاخدار اوستا گرفته تا پانزده نژاد هیولا و دهاک در بندهشن که از تبار شخصیتی تازی و نیمه آدمی به نام «فرواک» هستند، شامل می‌شود. طبری، بیرونی، ابن اثیر و حمزه اصفهانی نیز در آثار خود به این نسبت اشاره نموده‌اند.[۲۲]

ضمن به خاطر داشتن تأثیرات افسانه‌های خاور و باختر دربارهٔ اژدها، به عوامل شکل‌گیری افسانه‌های اژدها در اطراف نخستین پادشاه ماد می‌پردازیم. اگر چه رفتار دهاک دستمایه اولیه این داستان‌پردازی‌ها را فراهم نموده اما بخش عمده‌ای از این افسانه‌ها ناشی از خوی وحشیانه نبیره او اژدهاک یا آستیاگ بوده و در حقیقت گناهان او گریبان‌گیر نیای وی، دهاک، شده است. تقلید دهاک از معماری و رسوم درباری آشوری و روابط دوستانه با آنان نه تنها باعث شد که در اوستا او و خاندانش را بابلی بدانند بلکه مایه بیزاری ایرانیان از وی نیز گشت. از آن گذشته درنده خویی اژدهاک و از دست رفتن استقلال ماد در روزگار نبیره‌اش و رسوایی ناشی از این شکست، همگی به بنیانگذار این دودمان نسبت داده شد. هرودوت اژدهاک را با «هارپاگ» مقایسه و تنفر مردم ماد را از او خاطرنشان می‌سازد. درگزارش‌هایی در تاریخ ارمنستان خاندان اژدهاک را به سبب خوی وحشی او «اژدهازاده‌ها» لقب دادند. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۲۰۷) ازآن‌جا که تنها پادشاه ماد که با کورش جنگید آستیاک یا «اشدهاک» بود می‌توان به این همانی آستیاگ پادشاه

---

۲۱. در افسانه‌ها سیمرغ گرفتاران جهان زیرین را به جهان زبرین می‌آورد (محمدی،۱۳۸۴: ۱۷۱)
۲۲. http://www.loghatnaameh.com (لغتنامه دهخدا، لغت ضحاک).

تصویر ۱. فریدون پسران خود را می آزماید، اثر آقامیرک، شاهنامه، قرن دهم

ماد و اژدهاک (ضحاک) پادشاه اساطیری اوستا[۲۳] و شاهنامه مطمئن شد. همچنین به نظر می‌رسد که نام «مار» که ارمنیان مادها را بدان می‌شناختند به قوت گرفتن موضوع اژدها کمک کرده است.

ادبیات حماسی در نسبت با نگارگری

صحنه‌های نگارگری اکثراً یا مربوط به داستان‌های حماسی بوده و نبردهای قهرمانان ایران باستان را چنان‌که درشاهنامه آمده نمایان می‌سازد و یا با داستان‌های اخلاقی که از آثاری چون *کلیله و دمنه*، *خمسه نظامی* و *گلستان* سعدی اخذ شده، سر و کار دارد. در عرصه نخست صحنه‌های نبرد به واقعیت ماوراء تاریخی سوق داده شده و جنبه‌ای فلسفی عرفانی یافته است، درست به همان ترتیبی که در *شاهنامه* نیز تاریخ و اساطیر واقعیاتی متحد با سلسله مراتب به هم پیوسته اند و یا به همان نحو که شیخ اشراق سهروردی به تاریخ باستان جنبه‌ای فلسفی بخشید و از حکایات رزمی و حماسی تعبیری عرفانی و حکمی کرد تا جایی که حکمت ایران باستان و عرفان اسلامی را در مکتب نوین اشراق به هم آمیخت. سهروردی، «بدینسان آغازگر گذار از حماسه پهلوانی به حماسه عرفانی بود.» (شایگان، ۱۳۸۵: ۹۷) درعرصه دوم یعنی حکایات اخلاقی نیز صحنه حادثه در جهانی مافوق جهان مادی و صیرورت عادی رخ می‌دهد، به همین جهت واقعه‌ای که نقاشی شده دارای اهمیت و معنای همیشگی می‌باشد و برای بیننده همواره زنده و جاودان است. (نصر، ۱۳۴۷: ۶) در این راستا ذات نگارگری اقتضا می‌کند که همه عناصر نگاره‌ها اعم از شکل، بافت، رنگ، خط و حتی نقطه جلوه‌ای مشهود از حماسه باشند. در ادامه به حماسه و نسبت حضور آن در نگاره‌هایی که اژدها درآن‌ها مطرح شده است می‌پردازیم.

از ویژگی‌های آثار حماسی می‌توان به وزن و ریتم هیجانی و پر طنین آن اشاره نمود. این ویژگی در نگاره‌ها از طریق پوشش، سلاح و لوازم رزم جنگجویان، پیچ و تاب‌های تند و همچنین نحوه به‌کارگیری رنگ رعایت شده است. هنرمند نگارگر برای القای هیجان جبهه‌های نبرد از رنگ قرمز، زرد، بنفش و نارنجی بهره گرفته و آن را در تضادی آشکار با رنگ‌های زمینه قرار می‌دهد و از ارزش‌های خاکستری رنگ‌ها نیز نهایت استفاده را می‌نماید. طراحی و رنگ آمیزی صخره‌ها از نوعی اغراق برخورداراست که بر جنبه حماسی آن می‌افزاید. این صخره‌ها علیرغم استحکام و عظمت، چنان انعطافی دارند که هر لحظه به جهتی معطوف می‌شوند و بسان دریای مواج و خروشان مصور می‌شوند که به همراه باد به این طرف و آن طرف حرکت می‌کنند. بدین ترتیب ویژگی دیگر آثار حماسی یعنی اغراق شاعرانه از طریق طرح و رنگ محقق می‌شود. (عصمتی، ۱۳۸۸)

از دیگر صفات آثار حماسی بقا و جاودانگی است. ماهیت ازلی آثار حماسی موجب می‌شود که از زمان و مکان فانی فراتر روند و در صورتی از بقا به همه زمان‌ها و همه

---

۲۳. در روایتی در شاهنامه آمده است که شاهی مرداس دارای احترامی والا بود و پسری دلیر به نام ضحاک داشت. روزی اهریمن به شکل یکی از بارخواهان در دربار ظاهر شد و ضحاک را فریفت که پدر را بکشد و تخت شاهی را بدست آورد. سپس اهریمن به شکل خروسی بر ضحاک وارد شد و به او گوشت داد تا بخورد و بدین طریق شیوه مردم زمانه را که گیاه‌خواری بود پایمال کند. اهریمن با چاپلوسی او را فریفت و برشانه‌های شاه بوسه زد و سپس در زیر زمین نهان شد. از جای بوسه‌ها دو مار روئید که هرچه آن‌ها را می بریدند دوباره رشد می‌کردند تا اینکه این بار اهریمن در ظاهر یک پزشک تجویز نمود که هر روز به مارها مغز آدمی بدهند.

مکان‌ها متعلق گردند. این مهم از نقاط مشترک عرفان و حماسه است چراکه عارف میداند که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلاء. نگارگری نیز بازتاب چنین ساحتی است.[۲۴] کلیه مفردات یک نگاره اعم از اشکال انسانی، حیوانی، نباتی و جمادی کوششی در به تصویر درآوردن امورثابت و بی تغییر ازلی است. بافت و شکل صخره‌ها، صورت‌های انسانی که از درون صخره‌ها سر برآورده‌اند، ابرهایی که به ساده‌ترین شکل تصویر شده‌اند و درحقیقت دوایری متعدد و درهم گره خورده‌اند، همه و همه حرکت، رهایی از فنا و میل به جاودانگی را تداعی می‌کند. (عصمتی، ۱۳۸۸) در نگاره‌های مورد بحث این مقاله نگارگر لحظاتی را برای به تصویر کشیدن انتخاب کرده است که جنگجو در مقابل اژدها قرار گرفته، در این لحظه نه غالب شده است و نه مغلوب و این امرتداعی‌گر روح تداوم مبارزه حق و باطل است. این ویژگی در زبان رنگ‌ها نیز مشاهده می‌شود و علاوه بر آن شفافیت و ماندگاری خود رنگ‌ها پس از گذشت چند صد سال بر آن صحه می‌گذارد.

بدیهی است که اژدها در نگاره‌ها همواره مقابل جنگاوران حاضر شده است تا قهرمان با مبارزه با او توانایی روح خود را در جدال با نفس پلید بیازماید و شهامت خود را به شاهدان ناظر به اثبات رساند. از آن‌جا که قهرمانانی که در نگاره‌ها مقابل اژدها مشاهده می‌شوند برترین پهلوانان اسطوره‌ای ایرانند (مانند فریدون، رستم، گرشاسب) می‌توان اژدها را نهایت پلیدی و سمبل قدرت اهریمن به حساب آورد که قهرمان با مبارزه و شکست او نام خود را در تاریخ این سرزمین به ثبت رسانده است. در ادامه برخی از این حماسه سازی‌ها و تصاویر متناظر ارائه و شرح می‌شوند.

بر روی جام معروف حسنلو طرحی از اژدهاک و فردی در مقابل او نقش بسته که وی را فریدون دانسته اند. در افسانه‌ها آمده است که فریدون[۲۵] برای آزمایش سه پسر خود بصورت اژدهایی در آمد. (تصویر ۱) شاهزاده‌ها هر کدام واکنش مختلفی در برخورد غیر منتظره با اژدها بروز می‌دهند و براین اساس فریدون پس از بازگشت به ظاهر انسانی به هر کدام لقب و مملکت درخور آن‌ها را پاداش می‌دهد و در این میان ایرج که جوان‌ترین شاهزاده است به دلیل تهور و تدبیر، شاه ایران می‌گردد. در داستانی دیگر فریدون، خود با اژدی دهاک روبرو شده و این اژدها را شکست می‌دهد و خواهران جمشید را آزاد می‌نماید. اژدی دهاک از یک اژدهای سه سر به شاهی مار بر دوش تبدیل می‌شود که برای زنده ماندن باید هر روز مغز دو جوان رابه مارها بدهد. فریدون او را مهار و در کوه دماوند زندانی می‌کند. اگرچه در متن آثار به اژدهای سه سر اشاره شده اما در نگاره ها چنین موجودی مشاهده نمی‌شود. در واقع اژدها اغلب یک سر دارد، اگرچه در معدودی از نگاره‌ها اژدهای هفت سر (تصویر ۲) و در یک مورد نیز با سر انسانی (تصویر ۳) تصویر شده است.

نبرد اردشیر و اژدها از نمونه‌های خاص و جالب توجه در ادبیات بوده و نگاره مربوطه (تصویر ۴) از نمونه‌های استثنایی است، چراکه در هیچ نگاره دیگری شاهد شکست جنگ‌جو نیستیم، خصوصاً این‌که در این‌جا اردشیر نه تنها شکست خورده بلکه همراه اسبش توسط اژدها بلعیده می‌شود. همان‌طورکه درتصویر آمده اردشیر و اسب حالت آرامش دارند؛ به بیان دیگر در تأیید متن داراب‌نامه آن‌ها کاملاً ناگهانی و غیرمنتظره توسط اژدها مورد حمله واقع شده و پیش از آن‌که موقعیت را دریابند بلعیده می‌شوند. این نگاره

تصویر۲. اسب نخوت ماهان به اژدهای هفت سر تبدیل می شود. اثر بهزاد، خمسه نظامی،هرات،کتابخانه بریتانیا، لندن، ۱۴۹۳

تصویر ۳. اژدها با سر انسانی در حال جنگ با ماران. عجائب المخلوقات قزوینی، سده شانزدهم/ دهم

تصویر۴. اژدها اردشیر واسبش رامی بلعد، داراب نامه، قرن دهم

۲۴. درباره گسست زمان و مکان در نگارگری به (اصلانی، ۱۳۸۵) مراجعه نمائید.
۲۵. رزم فریدون با اژدها در نسخه ای از شاهنامه مکتب تبریز به سال ۷۴۰ ه.ق. تصویرگری شده است.

تصویر ۵. بهرام گور شمشیر خود را درسینه اژدها فرو می برد، شاهنامه بزرگ، مکتب تبریز، مجموعه رینی راجرز، دوره ایلخانی ۷۴۰ ه.ق

تنها نگاره‌ای است که قهرمان از پشت با اژدها روبرو شده و همین تأیید بر ناغافل بودن حمله است.

از دیگر قهرمانان اژدهاکش که حضور پررنگی در نگارگری دارد بهرام[۲۶] است. در نگاره‌ای از *شاهنامه* بزرگ که قهرمان را از پشت نشان داده، گویی ماجرا درست جلوی چشمان بیننده در حال وقوع است.(تصویر ۵) نکته دیگر در این نقاشی ارتباط پیش‌زمینه نزدیک و پس زمینه دور و همچنین قطع ناگهانی و غیر منتظره اطراف صحنه است. منظره پس‌زمینه با کوه‌های سر به فلک کشیده و درختان کاجی که بر روی آن‌هاست طبیعتی وحشی و رعب‌آور می‌آفریند. بهرام کمی به جلو خم شده تا همان‌طور که در متن شاهنامه آمده است، سینه اژدها را بشکافد. از خصوصیات ویژه این اژدها بدن پیچیده شده و پوست فلس‌دار آن است. در نگارگری ایرانی بدن اژدها یا از پولک پوشیده شده و یا پوستی چرمی دارد. البته ناحیه کتف‌ها و ران اژدها با ملحقات دراز و باریک و ردیفی تزئین شده که ممکن است این پوشش پر یا بال‌های نمایشی باشد. ضمن آنکه تقریباً در همه تصاویر موهایی وجود دارد که معمولاً در بخش‌های متفاوت، در جهات مختلف ترسیم شده است، اما به‌طور کلی می‌توان مو را در امتداد ستون فقرات، آرنج‌ها و زانوها، امتداد پشت بازو، امتداد فک پایین (بصورت ریش) و یا بر روی سر (بصورت یال) و گاهی دراطراف چشم‌ها مشاهده کرد. همچنین انتهای دم لخت است و اثری از مو و یا تغییرحالت (مثلاً تخت‌شدگی) وجود ندارد.

تصویر ۶ رزم بهرام گور بااژدها، شاهنامه، شیراز، موزه توپقاپی، ۷۷۰ ه.ق

نمونه‌ای دیگر از مبارزه بهرام و اژدها[۲۷] نگاره مربوط به مکتب شیراز است. (تصویر ۶) نگارگری کمینه‌گرایی شده این دوره سبب شده است که از دهان اژدها دود یا آتش خارج نشود و درعوض بدن مواج و ممتد اژدها با پیچ و تاب‌های اسلیمی پرداخته شود. بدن آبی اژدها با حاشیه‌های تزئینی طلایی بیشتر از آن‌که نمایشی باشد، رسمی و فرمال بودن آن‌را ارائه می‌دهد. به‌طور کلی اژدهای ذکر شده در متون ادبی دارای ترشحات و بزاق سمی است و از آن‌جا که ذکری از آتش در این متون نشده می‌توان آتش موجود در تصاویر مینیاتور را نمادی از همین ترشحات دانست.

گشتاسب[۲۸] (در اوستا ویشتاسپه) پهلوان ایرانی دیگری است که به منظور اجابت شرط ازدواج دختر سزار روم مبنی بر مبارزه با اژدهایی مهیب، در این رویارویی شرکت می‌جوید و اژدها را از بین می‌برد. تصویری از این نبرد در *شاهنامه* طهماسب مربوط به مکتب تبریزبه نمایش درآمده است. در تصویر۷ نیز که متعلق به شاهنامه‌ای دیگر از دوران صفویه است این رزم‌آوری نگارگری شده است. در این‌جا دورگیری بدن اژدهای نارنجی رنگ و تأکید بر انحنای تند آن، جهت صخره‌ها و همچنین حرکت ابرهای ناپیوسته، جنبش و تحرک را در تصویر تداعی می‌کنند، ضمن آنکه بزرگی شکم اژدها در کنار دهانه غار جلب توجه

تصویر۷. نبرد گشتاسب و اژدها، شاهنامه صفویه، قرن نهم

۲۶. رزم بهرام در شاهنامه سن پطرزبورگ در کتابخانه ملی روسیه متعلق به شیراز سال ۷۳۳ ه.ق، نسخه خمسه نظامی موزه بریتانیا متعلق به مکتب هرات از سال ۸۹۸ ه.ق (اثر بهزاد) و خمسه نظامی واقع در کتابخانه بریتانیای لندن (اثر محمد زمان) دیده می‌شود.

۲۷. بهرام که شکارچی و شهره به شکار گوراست درنبرد با اژدها تامرز مرگ پیش می‌رود. او به سم اژدها آغشته شده ولی با کمک اسب خود از این سم پاک می‌گردد و نجات می‌یابد و پس از کشتن اژدها جسد آغشته به سمی را درشکم اژدها می‌یابد. درمتن ادبی اژدها سینه دار توصیف گشته، اما درنگاره‌ها چنین عضوی برای اژدها تصویر نشده است.

۲۸. نبرد گشتاسب با اژدها در شاهنامه‌ای متعلق به ۱۰۰۷-۹۸۷ هجری نیز وجود دارد.

می‌نماید. گفتنی است که اژدهای نگاره‌های ایرانی بدنی طولانی و مارگونه دارد که متشکل از سه بخش گردن، شکم و دم است و معمولاً دو بخش از نظر طولی مشابه و بخش سوم متفاوت است. اغلب بخش کوتاه‌تر گردن یا شکم بوده و دم طولانی‌ترین قسمت است.

پهلوانان بلندآوازه‌ای که در گذر از هفت‌خوان با اژدها درگیر می‌شوند رستم و اسفندیارند. درشاهنامه مواجهه رستم[۲۹] با اژدها (تغییر شکل یافته به یک دیو سفید به نام اسدیو) در خوان سوم رخ می‌دهد.[۳۰] در متون ادبی «اسدیو» سفید رنگ توصیف شده اما اژدهای تصاویر هیچ‌کدام سفید نیستند. نبرد اسفندیار نیز در نگاره‌های متعددی ترسیم شده است.[۳۱] از این میان تصویر[۸] از آن جهت که از معدود نگاره‌هائی است که اژدهائی دو پا را به نمایش درآورده است[۳۲] حائز اهمیت می‌باشد چرا که اژدهای ایرانی اغلب بدون پا و یا دارای چهار پا است. این در حالی‌است که در صورت وجود پا، پنجه‌های جلویی و عقبی شبیه به هم بوده و ترکیبی از پنجه ببر وعقاب به نظر می‌آیند. اگر چه این پنجه‌ها که با انگشت‌های خم شده ترسیم شده‌اند، کوتاهند اما به نظر قوی و ماهر می‌آیند و به همراه دم بلند حیوان برای حرکت اژدها در محیط وحش و طبیعت یا صخره‌های مرتفع کارآمد می‌باشند.

آخرین قهرمان اژدهاکش در نگاره‌ها گرشاسب[۳۳] جوان گیسودراز گرز به دست است که فره ایزدی به همراه دارد و نبرد او با اژدهای غول پیکر و عظیم الجثه چهار شبانه روز در دریای کیهانی به درازا می‌کشد.[۳۴] در این راستا اژدهای نگاره‌های ایرانی را از لحاظ اندازه مورد سنجش قرار می‌دهیم. با توجه به این‌که هنرمندان اندازه‌گیری‌ها را، صرف‌نظر از واحدهای اندازه‌گیری، با نسبت طولِ سر انجام می‌دهند، نسبت طولی اژدها، از چانه تا

---

۲۹. نبرد رستم با اژدها در شاهنامه هرمیتاژ سن پطرزبورگ متعلق به قرن هشتم، شاهنامه ابراهیم سلطان در کتابخانه بادلیان آکسفورد متعلق به ۳۵-۸۳۲ ه.ق، شاهنامه محمد جوکی در انجمن سلطنتی آسیایی لندن متعلق به هرات سال ۸۴۰ ه.ق، شاهنامه‌ای از مکتب قزوین به سال ۹۸۵ هجری و شاهنامه‌های دیگری به سال ۹۶۵ و ۱۲۱۵ هجری (که در آن رخش سقید رنگ رستم که بر دو پا بلند شده به کمک وی آمده است) ملاحظه می‌گردد.

۳۰. رستم که برای دفاع از پادشاهی کیکاووس در مقابل سپاه دیوان راهی مازندران شده، درکنار برکه‌ای توقف می‌کند تا شب را در آن‌جا بگذراند. در میانه شب اژدهای مراقب چشمه به رستم حمله می‌کند، ولی با هوشیاری اسب رستم، رخش، رستم آگاه شده و اژدها را از بین می‌برد.

۳۱. شاهنامه گاتمن به سال ۴۰-۷۳۰هجری، شاهنامه موزه توپ‌قاپی متعلق به مکتب هرات و شاهنامه موزه پرینستون مربوط به دوره قاجار به سال ۱۰۵۴هجری از این جمله‌اند.

۳۲. نمونه‌ای دیگر نگاره «رزم فریدون با اژدها» متعلق به شاهنامه مکتب تبریز در قرن ۷۴۰ ه.ق می‌باشد.

۳۳. رضا مرادی غیاث آبادی در پانویس فروردین یشت آورده است که گرشاسب در اوستا معادل رستم در شاهنامه به شمار می رود.(و همین هم گویا اسدی توسی را بر انگیخته تا مثنوی گرشاسبنامه را بنگارد). او در باورهای ایرانی از یاران سوشیانت و نیز از جاودانان است.(mahdifotuhi.blogfa.com/post-۴۶۰.aspx)

۳۴. چنین پیش بینی شده است که در آخرالزمان اژدهایی که فریدون آن را در کوه دماوند زندانی نموده، آزاد می‌شود و یک سوم آدمیان را از بین می برد و در نهایت گرشاسب او را از پا در می‌آورد. با وجود این سروارا اژدهایی شاخدار است که گرشاسب توانایی مقابله با او را ندارد و از او می گریزد. در زامیادیشت نیز روایتی ذکر شده که در آن گرشاسب اژدهایی زرین پاشنه به نام گندروه را کشته که قاتل برادرش بوده، سرش هشتاد یاز (ارش) و هریک از دندانهایش به درازی ستون و دو چشمش که آتش از آنها می جهید به بزرگ گردونه ای بود، مردم و جانوران را از فاصله یک فرسنگ با نفس خویش می کشیده و با دم خود عقاب را از آسمان پایین می آورده؛ هریک از پشیزش (فلس) به بزرگی یک سپر گیلی بود و طول آن به شمار نمی آید. گرشاسب در بامداد از دم او تاختن آغاز نمود ودرشام به سرش رسید، آنگاه با گرز گران بر سرش کوفته و زمانی که آن را می کشد هنوز مردم درلابلای دندانهایش آویخته بودند. (محمدی،۱۳۸۴: ۱۶۹)

انتهای دم ده سر خواهد بود (نسبت طولی انسان بالغ، هفت و نیم سر است). بر این اساس اژدهای ایرانی را می‌توان در چهار اندازه دسته‌بندی نمود. تقریباً در نیمی از نگاره‌ها از اژدهای اندازه کوچک استفاده شده است که تناسب آن‌ها نیز مشابه می‌باشد. سر این سایز اژدها حدود ۵۱ سانتی‌متر است و از آن‌جا که نسبت اژدهای ایرانی ده‌سر است، اندازه این نوع اژدها تقریباً پنج متر است. اژدهای اندازه متوسط کوچک پس از اندازه کوچک بیشترین حضور را دارد. این اژدها یک سوم بزرگ‌تر از نوع کوچک است و سری تقریباً به اندازه ۷۶ سانتی‌متر دارد. اژدهای اندازه متوسط بزرگ نیز یک سوم بزرگتر از اندازه متوسط کوچک است و اژدهایی که اردشیر و اسب او را بلعید از نوع اندازه بزرگ است و چهار برابر اژدهای کوچک، سه برابر اژدهای متوسط کوچک و تقریباً دو برابر اژدهای متوسط بزرگ است و طول این اژدها حدوداً ۲۰ متر است. بنابراین بازه طولی اژدهای ایرانی از ۵ تا ۲۰ متر متغیر می‌باشد. شکل ۱ نمایش این دسته‌بندی می‌باشد. [۳۵]

شکل ۱. انواع اژدها نگاره‌های ایرانی در مقایسه با اندام انسان

تأثیر حضور اژدها بر ساختار نگارگری

با وجود آن‌که طرح اژدها در قالی، کلون درها، دستگیره‌ها و گلدان‌های چینی ملاحظه شده، اما این موجود افسانه‌ای درایران بیشتر از هرحیطه‌ی هنری دیگر در نگارگری حضور یافته است.[۳۶] میان اژدهای گلدان‌های چینی و اژدهای نگاره‌ها و فرش‌های ایرانی و مغولی شباهت بسیار وجود دارد، به‌طور مثال طرح اژدها در گلدان‌های چینی سلسله یوان[۳۷] و طراحی حاشیه گلستان سعدی توسط آقامیرک متعلق به مکتب تبریز سال ۹۳۰هجری، یکسان به نظر می‌آید. گلدان‌های آبی و سفید چینی در نیمه دوم قرن چهاردهم میلادی به ایران معرفی شد که باعث رشد کاشی‌کاری در طول قرون آتی، با شیوه‌ای جدید شد. در این شیوه در مقابل زمینه‌ی سفید، گل‌های نیلوفر و ابرهای روبانی پیچان، اژدها، مرغابی و موج‌ها با رنگ آبی کبالت ظاهر شدند. این شیوه تا قرن شانزدهم میلادی ادامه یافت. با وجود این، در حالی‌که اژدها در چین نمادی مثبت و بابرکت است، در دیگر سرزمین‌ها از جمله ایران کارکردی منفی و پلید دارد» (رستگار فسایی، ۱۳۶۵: ۱۱۸ و۲) و در زمره دیوان درخدمت اهریمن به شمار می‌آید. با در نظر داشتن چنین پیشینه‌ای، باید توجه داشت که ظاهر و رفتار اژدهای ارائه شده در نگاره‌های ایرانی ترکیبی از اژدهای اروپایی و آسیایی است. اژدهای ایرانی بدون بال است، و یال، پنجه و بدن دراز مارمانندی باخصوصیات

۳۵. (تاریخ مشاهده: ۱۳۸۸/۷/۳) www.orion.animaltracks.net.

۳۶. از نماد اژدها در معماری و تزئینات آن نیز استفاده شده است: اژدهای معبد بودایی داش کسن ویر در نزدیکی سلطانیه زنجان، کاشی‌های منقوش به نقش اژدها در تخت سلیمان، کاشی‌های چهارگوش ایرانی با نقش اژدها در موزه قاهره مصر، اژدهای دور شال ستون کاخ آبا قا آن در تخت سلیمان، کاشی با نقش اژدها، امامزاده علی بن جعفر(ع) در قم، نقش اژدها در سردر یکی از ورودی‌های آرامگاه خواجه ربیع در مشهد، نقوش گچبری و کاشی‌های منقوش به اژدها در مجموعه گنج‌علیخان کرمان، نقش اژدها در سردر بازار قیصریه اصفهان، کاشی‌های هفت‌رنگ با نقش اژدها در کاخ هشت بهشت اصفهان، سه کاشی با نقش اژدها در تکیه معاون الملک کرمانشاه، اژدهای فلزی بر روی در ورودی مدرسه سردار قزوین، کوبه در به شکل اژدها در اصفهان، نقش اژدهای گچبری شده در خانه بروجردی‌های کاشان، اژدهای مرمرین قره کلیسای ماکو، کاشی با نقش اژدها و شیر در کاخ گلستان تهران، نقش اژدها در سقانفارهای مازندران، نقش جدال بین شیر و اژدها در نمای آیینه خانه سردار مفخم بجنورد. (عبدی، ۱۳۸۸)

۳۷. طرح اژدها در میان ابرها در مکتب آق قویونلو در نیمه دوم قرن ۹ ه.ق مشاهده می‌شود.

اژدهـای آسـیایی دارد. امـا از آن‌جـا کـه آتـش از دهانش خارج می‌شـود بـه اژدهای اسـطوره‌ای اروپایـی شـباهت داشـته و میـل بـه آدم خـوری دارد دارد. به عبـارت دیگر اژدهـای ایرانی ظاهر اژدهـای آسـیایی و ویژگـی اژدهـای غربـی را دارد و بـا وجـود ایـن در مـواردی بـا هـر دو گونـه متفـاوت اسـت. اژدهاهـای ارائـه شـده در هنـر چینـی و ژاپنـی بسـیار متنوعند و بـه خصوص از لحـاظ تعداد انگشـتان و شـیوه ترسیم‌شـان متفاوت می‌باشـند. بطـور کلی می‌تـوان خصوصیات کلـی اژدهـای ایرانـی و وجـوه تمایـز آن را با اژدهای چینـی و ژاپنی در چند مـورد خلاصه نمود.

تصویر ۸. نبرداسفندیار واژدها، شاهنامه، قرن دوازدهم

تصویر ۹. نزاع اسفندیار واژدها، مکتب هرات

تصویر۱۰. نبرد اسفندیار و اژدها، مکتب اصفهان

اول آنکـه اژدهـای ایرانـی اغلـب در پـای عقـب زائـده دارد، در حالی‌کـه دیگـر اژدهاهـا فاقد این عضونـد. دوم اینکـه اژدهـای ایرانی یک شـاخ در وسـط پیشـانی دارد که معمولاً دو بخش شـده، امـا ایـن انـدام در صـورت وجـود در اژدهای چینـی و ژاپنی جفتی اسـت، یک شـاخ در هر طرف سـر. سـومین مـورد مربـوط بـه دم اژدهـای ایرانی اسـت که ویژگـی خاصـی نـدارد، در حالی‌که اژدهـای چینـی دمـی مویـی (ماننـد دم گاو) دارد و گفتـه می‌شـود وجـه تمایـز جنس نـر آن از جنـس مـاده اسـت. چهارمیـن وجـه تمایز این اسـت کـه اژدهـای ایرانـی اغلب در حـال دمیدن آتـش مشـاهده می‌شـود، ولـی نـوع چینـی بـه نـدرت آتـش یـا بخـار می‌دمد. ایـن دم آتشـین تقریبـاً در تمامـی نگاره‌هـا دیـده می‌شـود و از دهـان و نـه سـوراخ‌های بینـی خـارج می‌شـود و ماننـد اژدهـای اروپایـی زبـان بـا آتـش احاطه شـده اسـت.[۳۸] به نظـر می‌رسـد اژدهـای ایرانی

۳۸. بینی اژدها به‌صورت پوزه یک اسب، تمساح، شتر و یا حتی خرطوم کوتاه شده یک فیل نشان داده شده است که فاقد سوراخ بینی است و بینی در انتها موج دار شده است. در مورد گوش‌ها، در صورت وجود ساده، کوچک، نوک تیز و درقسمت تحتانی سر (مانند اژدهای چینی) ترسیم شده‌اند. فک‌ها نیز دراز، بزرگ و معمولاً با فاصله از هم نشان داده شده‌اند تا زبان و دندان‌های نیز قابل مشاهده باشند، ضمن آنکه فک و لب بالایی به سمت بالا برگردانده شده و به نظر انعطاف‌پذیر می‌آید.

بسیار زمینی است و اشتیاقی به پرواز و یا شنا در آب ندارد[۳۹]، از همین روست که اغلب اژدهای ایرانی فاقد بال تصویر شده است، در حالی‌که این دوفعالیت از ویژگی‌های کلیدی اژدهاهای چینی و ژاپنی هستند.

در نگاره‌ها از پلان‌های متعدد و پشت سر هم خبری نیست و صحنه نزاع غالباً در یک یا دو پلان خلاصه شده است. در پلان رویارویی اژدها و قهرمان یکه تاز که اغلب سوار بر اسب و مجهز به سلاح است، عمدتاً کس دیگری ملاحظه نمی شود و این بر ابهت و جذبه صحنه می افزاید، تا جایی که کسانی را در پلان بعدی تصاویر به تماشا وا می‌دارد. سرتاپای مجهز قهرمانان از کلاه خود و زره گرفته تا سپر و تیروکمان یا شمشیر واسب همگی تأکید بر دشواری کارزار دارند. از سوی دیگر این خلوت بازتابی از درگیری درونی آدمی با اژدهای نفس می‌باشد که نهایتاً تبعات پیروزی یا شکست آن اطرافیان را نیز شامل می‌شود. قابل توجه آنکه به ندرت مرگ اژدها به تصویر درآمده و بیننده با استناد به تصویر از سرانجام مبارزه خبر نمی‌گیرد، حتی عناصر تصویر برابری دو نیروی متخاصم را نشان می‌دهد و این‌که مبارزه میان خیر و شر همواره باقی است و البته گه‌گاه زخم‌هایی بر بدن اژدها مشاهده می‌شود و در نمونه‌های معدودی اژدها از پا درآمده است.[۴۰]

نحوه چیدمان عناصر تصویر در نگاره‌ها به ترتیبی است که گویی اژدها درتصاویر عامل مقسم فضای تصویراست، به طوری‌که جنگجو برای گذر از یک بخش ناگزیر به مبارزه با اوست؛ به عبارت دیگر اژدها در یک سوی تصویر و اغلب در سمت چپ نگاره‌ها، راه را بر قهرمان سد کرده است. تصاویر ۶،۷،۸،۹،۱۰ همگی بر چنین شاکله‌ای استوار شده اند. از نظر تقید نگارگر به حفظ حدود کادر باید گفت آزادی عملی که نقاش در فراتر بردن ساقه گیاهان از حدود خط‌کشی اطراف تصویر نشان داده بر توجه هنرمند به کیفیت زیبایی حرکات به‌طور مستقل گواهی می‌دهد. گاهی نیز پیکره‌ها با کادر دور نقاشی قطع شده‌اند تا نشان‌دهنده‌ی وجود جهانی در وراء صحنه کوچک تصویر باشند. نگارگر ایرانی با به کارگیری این ترفند، به ویژه در مورد بدن اژدها، درازی و عظمت اژدها را به تخیل بیننده واگذار نموده است.

بدیهی است که مضامین قهرمانی که موضوع نگاره‌های مورد بحث است از نظر زیبایی‌شناسی شرایط ویژه خود را ایجاب می‌نماید، به خصوص آن‌که رویارویی با اژدها در عین دلالت بر مبارزه عینی نیروهای اهریمنی و اهورایی، بر کشمکش درونی با اژدهای نفس (همان‌طور که ازمتون ادبی برمی‌آید) نیز دلالت دارد. لازمه‌ی توفیق در این بازنمایی زنده نگه‌داشتن تصویر و القای حس پویایی و حرکت در بیننده است، چراکه این نبرد پایان ناپذیر بوده و همان‌گونه که پیشتر، به نقل از مقاله «تخیل در افسانه‌ها و اسطوره‌های ایرانی»[۴۱] اشاره شد، دوازده هزار سال به طول می‌انجامد. از همین روست که در این نگاره‌ها حرکت موج می‌زند و برخلاف نگاره‌هایی با مضامین بزم یا عاشقانه که قوس منحنی‌ها آرام است در اینجا قوس‌ها کاملاً تندند و این انحناهای تند در قوس شمشیرها و کمان‌ها،

---

۳۹. در نگاره «اکوان دیو رستم را به آب می‌اندازد» از شاهنامه جوکی، متعلق به هرات سال ۸۴۰ هجری که در انجمن سلطنتی آسیایی لندن نگهداری می‌شود، اژدهایی در حال شنا در آب ملاحظه می‌شود.

۴۰. مانند نگاره «خوان سوم رستم» از شاهنامه ابراهیم سلطان متعلق به شیراز ۳۵-۸۳۲ ه.ق که در کتابخانه بادلیان آکسفورد نگهداری می‌شود.

۴۱. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

پیـچ و تاب‌هـای بـدن اژدهـا و حرکات پای اسـب‌ها مشـهود اسـت. در تصاویری که همـراه متن آمده‌انـد ایـن رویکـرد و حـس حرکـت از طریـق چیدمان فاصلـه دارسـتون‌ها (تصاویـر۸و۱۰) و همچنیـن بـالاو پاییـن بـودن بلاک‌هـا (تصاویـر ۱و۹) تأکید و تقویت شـده اسـت.

اگرچـه بیشـتر نگاره‌هـای حـاوی اژدهـا مضمونـی حماسـی دارنـد، امـا نگاره‌هـای انگشـت شـماری نیـز وجـود دارنـد کـه از داسـتان‌های مذهبـی سرچشـمه می‌گیرنـد، بطـور مثـال تصاویر۱۱و۱۲بـه ترتیـب بر داسـتان هبوط حضرت آدم و حوا از بهشـت و داسـتان تبدیل عصای

تصویر ۱۱. تبعید آدم و حوا از بهشت، فال نامه، اثر جعفرصادق، گالری ساکلر واشنگتن، تبریز یا قزوین، ۹۵۰ ه.ق

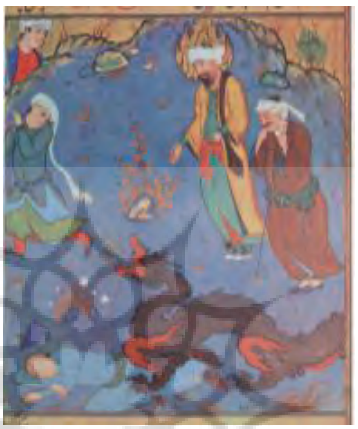

تصویر ۱۲. حمله اژدهای موسی به خدمتکاران فرعون، اثر آقا رضا، قصص الانبیاء نیشابوری ، کتابخانه ملی پاریس، ۱۰۰۰-۹۹۰ ه.ق.

تصویر ۱۳. حمله فرشتگان به لانه اژدهایان، اثر استاد محمد، آلبومی منسوب به غرب ایران (یا آسیای میانه)، موزه توپقاپی، قرن ۹- ۸ ه.ق

حضـرت موسـی بـه اژدهـا درمحضـر فرعـون دلالـت دارنـد. در روایات چنیـن آمده که شـیطان بـا کمـک مـار و طـاووس بـه بهشـت راه یافـت و آدم و حوا را بـه خـوردن میوه ممنوعه تشـویق کـرد. در نـگاره‌ی مذکـور مـار بـه صـورت اژدهایـی نمایـان شـده اسـت. در *منطـق‌الطیـر* عطار نیـز از نقـش طـاووس در ایـن واقعـه سـخن بـه میـان آمـده اسـت. در نـگاره مربوط بـه حضرت موسـی چنان‌کـه در قـرآن و انجیـل آورده شـده، عصای ایشـان درمقابـل فرعون بـه اذن خداوند بـه اژدهایـی بـدل می‌شـود که سـحر جادوگـران را باطـل و مارهـا و افعی‌هـای آنـان را می‌بلعد. به‌هـر حـال نقش‌پـردازی درخشـان، رنگ‌هـای پـر انرژی و طـرح هـای خلاقانه و بی‌پـروای این دو نـگاره چشـم‌گیر و جالـب توجهنـد. همچنیـن نگاره‌هـای مربـوط بـه مواجهه پیامبـر (ص) با اژدهـا[۴۲]و مبـارزه حضـرت علـی (ع) با اژدهـا[۴۳] نیز در این دسـته قـرار می‌گیرند. درآخـر می‌باید از نمونـه‌ای منحصـر بـه فـرد (تصویر ۱۳) نـام ببریم که درگیـری جمعی از فرشـتگان و تعدادی اژدها را به تصویر کشـیده اسـت. این نگاره را شـاید بتوان نمایشـی مسـتقیم و بلاواسـطه از نبرد میـان نیروهـای اهورایـی و اهریمنی برشـمرد.

۴۲. نگاره «پیامبر(ص) اژدهایی را که در راه کاروان قرار دارد رام می‌کند» از سده دهم هجری.
۴۳. نگاره‌ای با این عنوان درخاوران نامه مکتب شیراز آل مظفر و همچنین در نسخه‌ای از سده یازدهم هجری موجود می‌باشد.

نتیجه

شیدایی انسان خیال پرداز در مواجهه با عجایب و ناشناخته‌های خلقت در هنر تجلی یافته است. در نگارگری ایرانی نیز روحیه حماسی و میل به تفوق بر نیروهای ناشناخته در تلفیقی متجانس با ذوق و باریک بینی نگارگران ایرانی صحنه‌های پر جاذبه و بدیعی آفریده است. تأمل در متون اسطوره‌ای و حماسی که اغلب این نگاره‌ها برای آراستن آن‌ها ترسیم شده‌اند، حاکی از اشتیاق ذهن هنرمند به پرواز در آسمان حکمت است. در این میان نگاره‌های مربوط به نبرد شاهان و پهلوانان با اژدها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نبردی که در آن اژدها نماد شر و پلیدی و قهرمان جنگاور مظهر خیر و پاکی است و نبرد این دو یادآور مبارزه پایان‌ناپذیر انسان با هواهای نفسانی است. از همین روست که نگارگر، غیورترین دلاورمردان ملی و مذهبی، از رستم گرفته تا حضرت علی(ع)، را در صحنه‌هایی تماشایی روبروی اژدها قرار میدهد. این مواجهه چنان پرشکوه است که کمتر شخصی جرأت حضور در صحنه را دارد و گاهی افرادی از دور شاهد ماجرا هستند. صخره‌های سهمگین و طبیعت خشک و وحشی صحرای نگاره‌ها، دشواری مقابله را به نمایش گذارده و منحنی‌های تند و خطوط شکسته در گوشه و کنار تصویر، از پیچش‌های بدن اژدها تا بلاک‌های متن[۴۴]، حس تحرک و پویایی را دوچندان می‌نمایند. در چنین رزمایشی است که پهلوان مبارز می‌بایست به انواع تجهیزات همچون اسب، تیروکمان، زره و سپر آراسته گردد تا آمادگی مقابله با دسایس اهریمن را داشته باشد، اهریمنی که در رنگ‌های مختلف (سیاه، آبی، قهوه‌ای و حتی نارنجی) اندازه‌های گوناگون و فرم‌های متنوع ظاهر گشته و مولانا در پایان حکایتی شیرین به درستی تذکار می‌دهد:

نفس اژدرهاست او کی خفته است　　از غم بی آلتی افسرده است

(مولوی، ۱۳۸۲: ۳۸۴)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴۴. در برخی نگاره ها وجود بلاک های بالا و پایین رونده متن به صورت اشکال نامنتظم و مستطیل های نوشتاری بر حس تکاپوی منظره می افزاید.

جدول محتوا و ساختار نگاره ها و ویژگیهای فرمی اژدها

	عنوان	مشخصات	وضعیت مواجهه	ویژگیهای فرمی	تصویر
۱	نزاع اسفندیار واژدها	مکتب هرات	زخمی شدن اژدها	اژدها کوچک اسفندیار همراه اسب و تجهیزات صحنه نزاع در یک پلان و محیط خشک	
۲	رزم بهرام گور با اژدها	شاهنامه،۷۷۰ ه.ق	لحظه رویارویی	اژدها متوسط کوچک، پوشش پولک بهرام همراه اسب و تجهیزات صحنه در یک پلان با محیط خشک	
۳	فریدون پسران خود را می آزماید	شاهنامه، قرن۱۰ هجری	لحظه رویارویی	اژدها متوسط بزرگ، پوست چرمی تیره پسران همراه اسب و تجهیزات صحنه در یک پلان با محیط صخره ای	
٤	نبرد اسفندیار و اژدها	مکتب اصفهان	لحظه رویارویی	اژدها متوسط بزرگ، پوست چرمی با موهای تزیینی اسفندیار همراه اسب و تجهیزات صحنه در یک پلان با محیط صخره ای	
٥	بهرام شمشیر خود را درسینه اژدها فرو می برد	شاهنامه بزرگ،۷۴۰ ه.ق	شکست اژدها	اژدها متوسط بزرگ،پوشش پولک بهرام همراه اسب و تجهیزات صحنه در یک پلان و محیط وحش طبیعی	
٦	اژدها اردشیر و اسبش را می بلعد	داراب نامه، قرن۱۰ هجری	شکست مبارز	اژدها بزرگ، پوست چرمی با موهای تزیینی اردشیر همراه اسب صحنه در یک پلان با محیط خشک	
۷	حمله فرشتگان به لانه اژدهایان	آلبومی منسوب به غرب ایران/ آسیای میانه،قرون۹-۸ ه.ق	به بند کشیده شدن اژدها	(نمونه مبارزه موجود غیر انسانی): نبرد بلاواسطه فرشتگان (نماد خیر) و توده ای از اژدهایان (نماد شر)	
۸	حمله اژدهای موسی به فرعونیان	قصص الانبیاء نیشابوری، ۱۰۰۰-۹۹۰ ه.ق.	حمله اژدها	(نمونه مضمون مذهبی): اژدها به عنوان معجزه حضرت موسی(ع)	

منابع

- اصلانی، محمدرضا و علی شیخ مهدی (۱۳۸۵)، نگارگری ایران و شهود ذات اشیاء، کتاب ماه هنر، شماره ۹۳، صص ۱۸-۲۸.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۰)، تاریخ ایران باستان، جلد ۱، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- حسینی، سیدهاشم (۱۳۹۰)، بازتاب وتحلیل نگاره اژدها درسفالینه ها و کاشی های دوران اسلامی ایران، نگره، شماره ۴۹، صص ۴۹-۶۱.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۵)، اژدها در اساطیر ایران، تهران، انتشارات توس.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۵)، هانری کربن،آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، تهران، نشر فرزان روز.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، بر اساس نسخهٔ مشهور به چاپ مسکو، چاپ سوم، تهران، نشر علم.
- صباغ پور آرانی، طیبه و مهناز شایسته فر (۱۳۸۸)، مفاهیم نمادین سیمرغ و اژدها و انعکاس آن در قالی‌های صفویه، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۴، صص ۹۹-۱۱۷.
- طاهری، علیرضا (۱۳۸۸)، سیر تحول و طبقه بندی اژدها در نگارگری ایرانی، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۰، صص۲۲-۷ .
- عبدی، لیلا (۱۳۸۸)، نقش اژدها در هنر معماری ایران، روزنامه آفرینش، ۶ بهمن.
- عصمتی، حسین (۱۳۸۸)، تأثیر ادبیات حماسی فارسی بر نگارگری ایرانی، گلستان هنر، شماره ۱۵، صص ۱۰۷-۱۱۴
- محمدی، محمد (۱۳۸۴)، تخیل در افسانه ها و اسطوره های ایرانی، کتاب ماه هنر، شماره ۸۴-۸۳ ، صص ۱۶۶-۱۷۲ .
- مولوی، جلال الدین(۱۳۸۲)، مثنوی معنوی به تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، هرمس.
- نصر، سید حسین (۱۳۴۷)، عامل خیال و مفهوم فضا در مینیاتور ایرانی، باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۱.

www.loghatnaameh.com (تاریخ مشاهده: ۱۹۳۱/۵/۰۱)
www.orion.animaltracks.net (تاریخ مشاهده: ۸۸۳۱/۷/۳)
www.mahdifotuhi.blogfa.com/post-460.aspx (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۰/۹/۳)
www. metmuseum.org/collection/the-collection-online/search/452514 (تاریخ مشاهده: ۱۳۹۲/۱۲/۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی